

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۵ فبروری ۲۰۱۷

باز هم پیرامون "پیروزی نظامی و شکست سیاسی"

وقتی حدود ۳۰ سال قبل به تاسی و در ادامه شیوه تدریس حین اشتغال در مؤسسات عالی تربیت معلم، زیر عنوان "پیروزی نظامی و شکست سیاسی" مطلبی انشاء و جهت نشر به نشریه "رهائی" ارگان "هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان-هجاما" فرستادم*؛ هرچند در همانجا و در حد یک مقاله، ضمن بررسی دفع تجاوز دوم انگلیس از افغانستان و انگشت گذاری روی پیروزی های نظامی خلق ما و شکست های سیاسی منتج از معامله گری های طبقات حاکم، به ارتباط دفع تجاوز روس و احتراز از تکرار تاریخ و جلوگیری از شکست های سیاسی در همان مقطع تاریخی، نکاتی را پیشبینی نموده بودم که با تأسف تحقق یافت؛ جای یک مطالعه عمیق و همه جانبه را به ارتباط "پیروزی نظامی و شکست سیاسی" ما در تقابل با سوسیال امپریالیزم شوروی باز گذاشته، بر آن امید برده بودم تا تمام آن روند و نتایج آن به دقت مورد مطالعه قرار گیرد، مگر با تأسف نه خود توانسته ام به این ضرورت پاسخ لازم و همه جانبه ارائه دارم و نه هم از کس دیگری در این زمینه چیزی خوانده ام که حق مطلب را اداء نموده باشد.

اینک وقتی ۲۸ سال بعد از فرار مفتضحانه اشغالگران شوروی آروز که به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷، آخرین قطعات نظامی علنی و آشکار آن از افغانستان بیرون شدند به قضایا نظر انداخته می شود، مشاهده می گردد که جای چنان اثری مبتنی بر تحقیق همه جانبه پیرامون آن، کاملاً خالی بوده، بر تمام کسانی که از عهده انجام چنین مأمولی بر آمده می توانند و امکانات آن را دارند، وظیفه ایست اجتناب ناپذیر تا جهت انجام آن همت گمارند.

هرگاه خواسته باشیم مسأله را صرف در حد نقطه گذاری در نظر گیریم به نظر من، این شکست سیاسی از همان بدو پیدایش هسته های متفاوت مقاومت ضد حاکمیت مزدوران روس، خود را بر تمام پروسه تحمیل نموده، در نهایت پیروزی نظامی خلق ما را باز هم به چنان یک شکست سیاسی استحالته نموده، که نه تنها ما قادر نشدیم بعد از یک و نیم دهه جانفشانی و ایثار خون حدود یک و نیم میلیون انسان، به پیروزی دست یابیم، بلکه گذشته از آن که کشور ما بعد از تجربه کردن نشیب های متواتر، سرانجام از طرف ۴۴ کشور اشغال شده، سلاخان شبه سرخ، جایشان را به سلاخان ناتو دادند، شکست خوردگان دیروز باز هم در شکل و قامت دیگری، امکان آن را یافته اند تا مجدداً به امور افغانستان مداخله نموده، تلاش نمایند تا آنچه را از طریق جنگ و کشتار نتوانستند به دست بیاورند، با درس آموزی از حریفان و درک نقاط ضعف در افغانستان، از طریق مذاکره و خرید و فروش به دست بیاورند.

منظور از چنین مقدمه ای، توجه بیشتر به فعالیت های اخیر روسیه پوتین در امور افغانستان است.

خوانندگانی که به نوشته های این قلم آشنائی دارند، حتماً به خاطر دارند که وقتی راجع به مسایل انتخاباتی در ایالات متحده امریکا و رقابت بین "هیلری کلینتن" و "دونالد ترمپ" مطلبی نگاشتم در آنجا بسیار واضح نوشته بودم، که هر دو کاندید در قبال افغانستان سکوت نموده، هیچ یک از آنها این اجازه را نیافته اند، تا در مورد "زخم باز" افغانستان اظهار نظر نموده و آن را به یکی از موضوعات انتخاباتی خویش مبدل نمایند، در همانجا در پیوند با سیاست دولت آینده امریکا در قبال افغانستان، مختصراً نگاشته بودم، که چگونگی و ادامه سیاست آن دولت، کلاً متأثر از سیاست جهانی و منطقه ئی امریکا در قبال روس ها خواهد بود.

تا جایی که دیده می شود، روسها بدون آن که منتظر طرح های احتمالی حاکمیت ترمپ در زمینه سیاست های جهانی و منطقه خاور میانه و آسیای میانه بمانند، از چندی بدین سو تحرکاتی را در قبال قزاقستان، آسیای میانه و آسیای شرقی و نیم قاره هند از خود به نمایش گذاشته اند، که نمی تواند چگونگی رشد چنان روندی، قابل توجه نباشد. این تحرکات در قبال افغانستان شامل چند بعد می باشد:

- وعده همکاری های ملکی، نظامی و اکمالاتی با اداره مستعمراتی کابل و اعطای کمکهای تسلیحاتی از نوع سلاح های سبک و چند فروند هیلیکوپتر.

- تماس قایم نمودن با مخالفان اداره مستعمراتی کابل به خصوص نرد عشق باختن با "طالب" دشمن دیروزی شان.

- تلاش در جهت نزدیکی غیر متعارف با پاکستان، حامی مستقیم و درجه یک طالب، تا سرحد فروش تسلیحات پیشرفته نظامی به آن کشور.

- وارد ساختن پای ایران و چین از منظری که روسها به قزاقستان نظاره می کنند، به قزاقستان.

- تلاش برای ایجاد تفاهم راجع به عملکرد مسکو در قبال قزاقستان نزد دولت هند.

تحرکاتی را که در بالا مختصراً از آن نام بردیم، در چند مرحله و روی اهداف آتی صورت گرفته و ادامه می یابد:

- نخستین هدف مسکو از اشتغال به چنین تحرکاتی و یا آن را با صدای بلند به گوش جهانیان رسانیدن، اعلام این نکته است که دیگر زمان جهان تک قطبی به سر آمده، امریکا به نمایندگی و در رأس ناتو دیگر نمی تواند معضلات جهانی را از منظر خود و مطابق منافع خود حل و فصل نماید، بلکه کشوری به نام روسیه در پیوند با متحدینی چند، خواستار آن است تا حین حل و فصل معضلات جهانی و منطقه ئی، که چیزی به جز تقسیم مجدد جهان نیست، آن کشور نیز در نظر گرفته شود.

- دومین انگیزه روسها از تشدید چنین تحرکاتی، ارسال پیام مستقیم به جانب مقابل یعنی کشور های اشغال کننده افغانستان، به خصوص امپریالیزم جنایت گستر امریکا و اتحادیه اروپا آن است، که پای شان را بیشتر از آن بر گلیم روسها و یا آن گلیم هائی که "حق" روسها به شمار می روند دراز نمایند، در غیر آن روسها با بهره بردن از امکانات جغرافیائی، با تقویت نیرو های طالب، افغانستان را به ویتنام جدید غرب مبدل نموده، به حساب "سنگ مفت و گنجشک مفت" انتقام شکست شان را از غرب خواهند گرفت.

- با تکیه بر نیروی "طالب"، یکی از پروژه های ویرانگر "اوباما" را که اعزام "داعش" به افغانستان به غرض عبور از مرز های شمالی این کشور و نارام ساختن کشور های آسیای میانه و حتا چین بود، در نطفه خنثا نماید.

باز هم تا جایی که از روند وقایع بر می آید مسیر تحقق این اهداف از جانب روسها، روند های آتی را طی نموده است:

- تحکیم مناسبات روسیه و چین از طریق پیمان "شانگهای" تا سرحد روابط همه جانبه ستراتیژیک.

- جذب کشور هائی مانند پاکستان، هند، ایران و افغانستان مستعمره به طرف آن پیمان، تا جایی که عنقریب هند و پاکستان هر دو به عضویت کامل آن درآمده، ایران نیز امیدوار عضویت خودش در آینده می باشد.

- از طریق تعمیق روابط با پاکستان- چه بسا با میانجیگری چین- مستقیماً با دشمن دیروزش یعنی "طالب" در تماس شده، در عمل جای پایش را در قبال قضایای افغانستان محکم نماید
- تحکیم مناسبات با ایران و این کشور را شامل سیاست افغانستان از منظر منافع روسها ساختن.
- بعد از تدویر چندین جلسه و به احتمال اغلب رسیدن به توافقاتی با "طالب" دایر نمودن جلسه‌ی مقدماتی کشورهای "روسیه، چین و پاکستان" در مسکو و مذاکرات علنی آنها در قبال قضایای افغانستان آنهم در غیاب اداره‌ی مستعمراتی کابل**

- تدارک تدویر کنفرانس بین کشورهای "روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند و نماینده‌ی اداره‌ی مستعمراتی کابل" برای تاریخ ۱۵ فروری یعنی ۲۷ دلو یا درست‌تر بنویسم از لحاظ تاریخی یک روز بعد از ۲۸ سال قبل که آخرین قطعات نظامی اش افغانستان را ترک نمود.
این رشته سر دراز دارد

یادداشت ها:

*- با سپاس خدمت آن عده از دوستانی که در آن زمان زحمت تیپ و نشر مطلب "پیروزی نظامی و شکست سیاسی" را متقبل شده بودند و با پوزش نزد خوانندگانی که آن نوشته را خوانده و بر مبنای سوءتفاهم بین این قلم و ویراستاران نشریه "رهائی"، درک آن دشوار و حتا ناممکن شده بود، از دوستانی که کدام شماره ای از نشریه "رهائی" در اختیار داشته باشند، صمیمانه تقاضا می‌نمایم تا با ارسال به پورتال، برایم این امکان را مساعد بسازند تا به دور از ویراستاری های ویرانگر و ویراستار، نوشته را مجدداً تقدیم علاقه مندان مطالعات تاریخی نمایم.
**- در کنفرانس اولی که روسها بین سه کشور "پاکستان، چین و روسیه" به ارتباط قضایای افغانستان در مسکو دایر نمود و از اداره‌ی مستعمراتی کابل در آن دعوت ننمود، به گمان من آن حرکت مسکو، سیلی سختی بود بر رخسار چروکیده و گندیده کاکا و بردار زاده، یعنی دلقکهای استعمار غرب "اشرف غنی" و "قیوم کوچی" که چندی قبل از آن، به ارتباط کشور های آسیای میانه و مناسبات آنها با روسها، "گردن فرازی" کرده بود.